

بررسی و تحلیل سیاست تقنینی ناظر بر حبس‌زدایی در قانون مجازات حبس تعزیری (نوآوری‌ها و نارسایی‌ها)

یحیی کاظمی‌رمدانی^۱ - رحیم یونسی‌زینی^۲ - فاطمه درویشی سوچلمائی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱)

چکیده

در دهه‌های اخیر، با مطالعات صورت گرفته در علم کیفرشناسی و نهادینه شدن مفاهیم حقوق بشری خصوصاً حق آزادی انسان، اجرای مجازات حبس به لحاظ آثار زیان بار آن بر مرتکب جرم، خانواده او و کل جامعه و از طرفی عدم کارکردهای اصلاحی و عدم موفقیت در بازسازی اجتماعی مجرم، با محدودیت‌هایی همراه شده است. با وجود اینکه، سیاست حبس‌زدایی یکی از اولویت‌های اصلی نظام محسوب می‌گردد و لیکن قوانین موضوعه در این حوزه علیرغم تلاش‌های صورت گرفته نتوانسته است مؤثر واقع شود و زندان‌های ما با افزایش جمعیت مواجه می‌باشند. از این روست که سیاست تقنینی ایران از جنبه‌های مختلف در زمینه کاهش جمعیت زندانیان، دچار کاستی‌های مختلف و متعددی شده است.

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ هرچند به دلیل شتاب‌زدگی در تصویب آن مورد انتقادات واقع شده، با رقه‌هایی از امید را در راستای رفع برخی از نارسایی‌های تقنینی پیشین ایجاد نموده است.

در پژوهش حاضر با تکیه بر روش گردآوری کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی مشخص گردیده بهره‌مندی از ویژگی‌هایی نظیر تقلیل یا تبدیل مجازات حبس برخی عناوین مجرمانه خاص، افزایش اختیارات محاکم در اعمال تخفیف مجازات، تبدیل حبس‌های ابد غیر حدی به حبس درجه یک، توسعه امکان تعلیق اجرای مجازات و توسعه جرایم قابل گذشت در زمره این اقدامات مطلوب و راهگشا در قانون فوق‌الذکر است. با این وجود سیاست تقنینی ناظر بر حبس‌زدایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، هنوز با برخی نارسایی‌ها به مانند عدم ارائه

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و معاون دادستان نظامی استان سمنان، kazemiyahya6@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان و رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان سمنان rahimuonesi1347@gmail.com

۳. کارشناس حقوق ، darvishi.s.fateme@gmail.com

معیار و ضابطه جهت تشخیص جرایم مشابه، بی‌دقتی‌های تقنینی، عدم استفاده از ظرفیت نهادهای ارفاقی کاربردی و نیز عدم توجه به کارکرد بازدارندگی مجازات رو به رو می‌باشد که امید بسیار به رفع آن‌ها در اصلاحات تقنینی آینده وجود دارد.

واژگان کلیدی: حبس‌زدایی، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، سیاست تقنینی، نوآوری‌ها، نارسایی‌ها.

مقدمه

به مرور ایام و با پیشرفت جوامع و تعدیل تفکر انتقام و دادگستری خصوصی و نظام‌مند شدن تعیین و اجرای مجازات با شکل‌گیری دولت‌های مرکزی قدرتمند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹: ۱۴) در قوانین جزایی اکثر کشورها، حبس به عنوان اصلی‌ترین مجازات و از ابزارهای مهم دفاع اجتماعی و واکنش علیه مجرم تلقی شده است. کیفر زندان از قدیمی‌ترین مجازات‌ها در تاریخ قلمداد شده و از زمانی که مجازات‌های سالب حیات به‌لحاظ رعایت احترام نوع بشر، حمایت از زندگی انسانی و غیر قابل جبران بودن اجرای آن از سوی اندیشمندان مورد انتقاد واقع گردید (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۹) و آزادی به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر مورد توجه جدی قرار گرفت، سلب آن نیز به عنوان عقوبت و کیفر بزهکاران محسوب شد. سریع‌الاجرا بودن این مجازات، بازداشتن موقتی مجرم از تکرار جرم و مصون ماندن جامعه از آسیب‌های مجرمانه در طول تحمل کیفر (اشرف گنجوی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) از مهم‌ترین عللی بود که سبب گسترش استفاده از این مجازات نزد قانونگذاران شد. با گذشت زمان و با در نظر گرفتن آثار، نتایج و پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی بعضاً غیر قابل جبران اجرای مجازات حبس نظیر تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور و گزاف نگهداری از زندانیان بر نهاد حکومتی (محسنی، ۱۳۸۷: ۴)، صدمات و آلام روحی برای فرد زندانی در نتیجه جداسازی وی از خانواده و جامعه، ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد و مانع شدن در بازاجتماعی شدن، ایجاد زمینه برای حرفه‌ای تر شدن فرد زندانی به دلیل اختلاط و مصاحبت با مرتکبین به جرایم گوناگون، شیوع و گسترش بیماری‌های واگیردار و از طرفی به‌لحاظ گسترش دیدگاه‌های جامعه‌شناختی جنایی، اندیشه‌های نوینی پدید آمد که بر استفاده حداقلی از مجازات حبس و نهایتاً کاهش جمعیت کیفری متمرکز بودند. پژوهشگران جرم‌شناسی^۱ و کیفرشناسی^۲ در مفهوم مطالعه نحوه اعمال ضمانت اجراهای کیفری با استفاده از دستاوردهای تحقیقات علمی و میدانی خود، دیگر مجازات حبس را به عنوان مجازات و ابزاری مناسب با هدف اصلاح، بازپروری و توانمندسازی فرد مجرم برای بازگشت به اجتماع و ادامه زندگی به عنوان یک فرد عادی محسوب نکرده (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۷: ۲۳۱) و برای کاهش تبعات منفی آن، بر ضرورت بکارگیری حداقلی مجازات حبس تأکید دارند و معتقدند هر اقدامی که از سوی مقنن در جهت جرم‌زدایی، کاهش یا تقلیل استفاده از مجازات حبس، افزایش نهادهای ارفاقی منجر به کاهش مدت اجرای حبس، استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس و ... مورد نظر قرار گیرد می‌تواند به عنوان سیاست تقنینی حبس‌زدایی مطلوب ارزیابی شود. لذا امروزه در فرایند جرم‌انگاری و تعیین مجازات، سخن از لزوم گزینشی می‌شود که بتواند از یک سو به اصلاح مجرم و بازاجتماعی شدن وی کمک نماید و از سوی دیگر تا حد ممکن نتایج زیان بار آن برای فرد مرتکب، خانواده و

جامعه را تقلیل دهد. از این روست که امروزه تلاش می‌گردد تا در امر جرم‌انگاری و تعیین مجازات، تا حد امکان از پاسخ‌دهی به اعمال ضداجتماعی به‌وسیله اجرای مجازات حبس ممانعت شده و استفاده از این مجازات به مواردی محدود گردد که از دیگر مجازات‌ها نتوان در این زمینه بهره‌مند شد.

در این راستا حقوق کیفری راهبردهای متفاوتی را در زمینه کاهش جمعیت کیفری بکار می‌بندد. چنین ظرفیتی در حقوق کیفری وجود دارد که بتواند بسته به نوع جرم و اهمیت آن، استراتژی خود را تغییر دهد. بدین صورت که در مورد بسیاری از جرایم کم‌اهمیت از استراتژی جرم‌زدایی، عدم استفاده از مجازات حبس، توسعه نهادهای ارفاقی و ... بهره‌برد و استفاده از مجازات حبس در جهت حمایت شایسته و کامل از منافع اساسی دولت و مردم تنها در خصوص جرایم مهم و با سازوکار اصلاحی مورد اقبال قرار گیرد.

البته ذکر این مطلب نیز لازم است که سیاست حبس‌زدایی زمانی مفید خواهد بود که مجازات‌های بهتری جایگزین مجازات حبس شود و خاصیت سزادهی و تنبیهی داشته باشد و گرنه هر موقع جامعه احساس کند سلاح مجازات برای مبارزه با جرم تضعیف شده است موجب افزایش ارتکاب جرم در جامعه خواهد شد که با فلسفه تعیین مجازات مغایرت دارد.

در حقوق کیفری ایران به منظور مقابله با مرتکبین جرایم مختلف، مجازات حبس به عنوان اصلی‌ترین مجازات، از ابزارهای مهم دفاع اجتماعی و واکنش علیه مجرم مد نظر قرار گرفته و به صورت گسترده (مجیدی، ۱۳۹۳: ۳۲۶) مورد استفاده قرار گرفته است. مطابق یک برآورد، نزدیک به ۱۴۰۰ الی ۱۵۰۰ عنوان مجرم‌نامه در قوانین کیفری ایران وجود دارد که بالای ۴۰۰ عنوان مجازات حبس دارد. (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۶)

روند افزایش ارتکاب جرایم در سطح جامعه و به تبع آن افزایش جمعیت کیفری و آثار زیان‌بار آن و از طرفی ناکارآمدی تعیین مجازات حبس به عنوان کیفر اصلی در جهت مقابله با مجرمین و عدم کارکرد اصلاحی و تربیتی آن، به عنوان اصلی‌ترین دغدغه اندیشمندان اجتماعی و متولیان امر پیشگیری از وقوع جرم در ایران مورد توجه و تأکید قرار گرفته و سعی شده با تصویب قوانین کارآمد در راستای تحقق حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری زندان گام برداشته شود. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ آخرین اراده قانونگذار در این حوزه می‌باشد و به منظور اصلاح برخی نواقص تقنینی گذشته اقدامات مطلوبی را پیش‌بینی نموده است و لیکن هنوز با نواقص و کاستی‌هایی مواجه می‌باشد و ضرورت دارد مهم‌ترین نوآوری‌ها و نارسایی‌های آن مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گیرد.

در پژوهش حاضر با تکیه بر روش گردآوری کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی و با مطالعه کتب و مقالات حقوقی و همچنین استفاده از تجربیات اساتید محترم دانشگاه و قضات دادگستری سعی شده محاسن موجود در حوزه سیاست تقنینی حبس‌زدایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تبیین و نواقص مربوطه مشخص شده و راهکارهای مناسبی در جهت مرتفع ساختن آنها ارائه گردد.

با این توضیح، مهم‌ترین اهداف مورد نظر در نوشتار تحقیقی حاضر عبارتند از اینکه:

(الف) سیاست تقنینی ایران در زمینه حبس‌زدایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مورد بررسی قرار گیرد.

(ب) نوآوری‌ها و نارسایی‌ها در زمینه حبس‌زدایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تبیین شود.

(ج) پیشنهادهای اصلاحی جهت تحقق سیاست تقنینی حبس‌زدایی ارائه گردد.

پیشینه تحقیق

- بررسی سیاست کیفری ناظر بر حبس‌زدایی در کتب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی مورد بحث واقع شده است. از جمله تحقیقات صورت گرفته که به موضوع حبس‌زدایی با نگرش انتقادی پرداخته‌اند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
- بهره مند، حمید (۱۳۹۶ بهار)، *سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی ایران*، فصل‌نامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۲ ص ۳۸۲-۳۵۷.
 - پور محی‌آبادی، حسین، بوستانی، داریوش، قماش، سعید (۱۳۹۷ بهار و تابستان)، *سیطره حبس‌گرایی و رویای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی کرمان)*، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال ۹، شماره ۲۷ ص ۵۹-۳۳.
 - محسنی، رضاعلی (۱۳۸۷ فروردین و اردیبهشت)، *آسیب‌شناسی مجازات زندان و حبس*، سال دوازدهم، شماره ۶۷ ص ۳-۹.
 - حاجی‌ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۰ تابستان)، *تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام*، سال سوم، شماره ۴ ص ۶۸-۳۷.
- برخی دیگر از نویسندگان نیز سیاست کیفری حاکم بر حبس‌زدایی را با محوریت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مورد بررسی قرار داده‌اند بدون اینکه نارسایی‌های آن را بیان نمایند که کتاب به نگرارش درآمده توسط مصدق، محمد، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ دوم، نشر جنگل-جاودانه، ۱۳۹۹ را می‌توان در این زمینه معرفی کرد.
- و لیکن آنچه این تحقیق را متمایز می‌سازد بررسی سیاست تقنینی حبس‌زدایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و در عین حال تبیین نوآوری‌ها و نارسایی‌های آن می‌باشد که طی شرح آتی در دو قسمت به طور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نوآوری‌ها

با نگرش در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری راهبردهای مطلوب تقنینی در زمینه کاهش مجازات حبس تعزیری در نظر گرفته شده است که به مهمترین این نوآوری‌ها پرداخته خواهد شد.

۱- تقلیل یا تبدیل مجازات حبس برخی عناوین مجرمانه خاص

بررسی مجازات زندان^۱ می‌تواند از بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی آن آغاز گردد. در ادبیات کیفری به زبان فارسی دو لفظ زندان و حبس برای نشان دادن مفهوم مجازات سالب آزادی بیش از همه مرسوم است، علاوه بر این دو واژه، گاهی اوقات نیز از لفظ سجن و ندامتگاه استفاده می‌شود. زندان یا ندامتگاه در زبان فارسی اسم محلی است که محکومین به مجازات سالب آزادی زیر نظر قاضی اجرای احکام^۲ و مسئولین اداره زندان جهت تحمل کیفر در آنجا نگهداری می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۲۳۱) و شاید از این جهت که زندانی در زندان از

1. Prison.

۲. در مورد نقش و کارکرد قاضی اجرای مجازات‌ها، ن. ک به: بولک، برنارد، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۱ و کوشا، جعفر، *جرایم علیه عدالت قضایی*، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۳۷.

کرده خود نادم و پشیمان می‌شود به این محل ندامتگاه گفته‌اند. لفظ حبس در فارسی به هر دوی معنای مصدری یعنی کیفر سالب آزادی و محل نگهداری محکوم به چنین کیفری یعنی زندان به کار می‌رود ولی در عربی به زندان محبس گفته می‌شود گرچه کاربرد واژه «حبس» به جای «محبس» در عربی نیز معمول است. واژه سجن در هر دو زبان فارسی و عربی به معنای زندان یعنی محل اعمال کیفر سلب آزادی است. از معانی لغوی هر لفظی که افاده مفهوم زندان به عنوان مجازات نماید چیزی جز سلب آزادی یا محدود کردن رفت و آمد فرد نمی‌توان استخراج و استنباط کرد و از مفهوم سلب آزادی نیز بیش از این فهمیده نمی‌شود. (صفاری، ۱۳۸۸: ۱۱۹ و ۱۱۸)

کاهش مجازات حبس یا تبدیل آن به مجازات دیگر پس از جرم‌زدایی^۱ از مرسوم‌ترین روش‌هایی است که قانونگذار می‌تواند از طریق آن، مقصود خود را در جهت اجرای سیاست تقنینی حبس‌زدایی اعمال نماید. قانونگذار در راستای اجرای این سیاست در ماده ۱ از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری^۲ اقدام به کاهش یا تبدیل مجازات حبس برخی از جرایم خاص نموده است.

یا نگرش در منطوق این ماده مشخص می‌گردد این اقدام مقنن همسو با سیاست کیفری عقب‌نشینی در جرایم علیه اموال و اشخاص برخلاف جرایم علیه امنیت (مجیدی، ۱۳۹۳: ۱۰۶) بوده که در جهت حبس‌زدایی از آن بهره برده شده است چرا که کلیه جرایمی که مجازات حبس آن‌ها تقلیل یافته یا تبدیل شده اعم از ایراد ضرب و جرح، تخریب، آدم‌ربایی، اهان و ... از جرایم علیه اشخاص و یا اموال هستند. صرفنظر از اینکه ضابطه انتخاب عناوین اتهامی موصوف کثرت ارتکاب آن‌ها بوده یا موضوعات دیگری نظیر عدم تناسب مجازات مد نظر قرار گرفته (مصدق، ۱۳۹۹: ۱۲)، به نظر می‌رسد این اقدام مقنن می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها ایفا نماید. البته این موضوع را نیز باید در نظر داشت که تقلیل یا تبدیل افراطی مجازات حبس در برخی مصادیق مجرمانه خشن نظیر آدم‌ربایی نباید خاصیت سزادهی و تنبیهی خود را از دست بدهد به طوری جامعه احساس کند سلاح مجازات برای مبارزه با جرم تضعیف شده است و این موضوع باعث افزایش ارتکاب این جرایم شود؛ بنابراین در جهت ترمیم این ضعف مقنن به صورت هوشمندانه بر خلاف روح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اقدام به توسعه امکان تعیین مجازات‌های تکمیلی نموده تا از این طریق محاکم بتوانند در مواردی که مجازات‌های قانونی به تنهایی موثر در تأدیب مرتکب نباشد با استفاده از مجازات‌های تکمیلی این نقیصه را برطرف نمایند.

همچنین قانونگذار در ماده ۳ از همان قانون مجازات حبس ابد غیرحدی را به حبس تعزیری درجه یک (بیش از ۲۵ سال) تبدیل نموده است. این اقدام مقنن ضمن کاهش مستقیم مجازات حبس ابد غیر حدی مندرج در قوانین به حبس درجه یک که می‌تواند - با در نظر گرفتن اصل تناسب مجازات با عمل ارتكابی - اقدامی مطلوب ارزیابی شود،

1. Decriminalization

۲. مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی ... با اصلاحات و الحاقات بعدی به شرح زیر کاهش یافته یا تبدیل می‌شود:

الف. مجازات حبس موضوع ماده (۶۱۴) قانون (به استثنای تبصره آن) به حبس درجه شش؛

ب. مجازات حبس موضوع ماده (۶۲۱) قانون، در صورتی که ارتکاب جرم به عتف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج؛

پ. تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و ...

ت. مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت‌وارده یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت‌وارده؛

ث. مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش؛ ج- مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۹۷) قانون به جزای نقدی

درجه شش؛»

باب برخی از نهادهای ارفاقی نظیر استفاده از آزادی مشروط را که در حبس بالغ بر ده سال منوط به تحمل نصف و در سایر موارد پس از تحمل یک سوم مجازات قابلیت اجرا داشته و در مورد کیفیت و نحوه امکان استفاده از آزادی مشروط در مورد حبس ابد ابهاماتی وجود داشته (مصدق، ۱۳۹۲: ۱۷۲) را موضوعاً منتفی نموده است.

۲. الزامی بودن استدلال و استناد در تعیین حبس به بیش از حداقل مجازات قانونی

برخلاف قوانین کیفری سابق که قضات در تعیین مجازات در محدوده حداقل و حداکثر مجازات قانونی جرم در فرض عدم وجود جهات تخفیف هیچگونه محدودیتی نداشتند، قانونگذار در ماده ۲ از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با الحاق یک تبصره^۱ ذیل ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای قضات محاکم در تعیین حبس به بیش از حداقل مجازات قانونی محدودیت ایجاد نموده است.

این اقدام مقنن که فاقد سابقه تقنینی است هرچند به طور مستقیم موجب کاهش مجازات حبس نمی‌گردد و لیکن از این جهت که بر خلاف گذشته برای قضات محاکم در تعیین مجازات حبس به بیش از حداقل مجازات قانونی محدودیت ایجاد کرده و صدور حکم به بیش از حداقل مجازات حبس را منوط به ذکر استدلال در توجیه ضرورت آن نموده است (مصدق، ۱۳۹۹: ۲۸)، نتیجتاً می‌تواند در کاهش مجازات حبس مؤثر واقع شود مضافاً اینکه آرای صادره از حیث استدلال و استناد متقن‌تر شده و به اصل فردی کردن مجازات‌ها کمک درخور توجهی می‌نماید. ذکر این نکته نیز ضروری است که این تبصره صرفاً در مورد مجازات حبس موضوعیت دارد و شامل سایر مجازات‌ها نمی‌گردد، هرچند بهتر بود قانونگذار اجرای مقررات تبصره را بلحاظ اینکه اجرای این تبصره به شرحی که گذشت در صدور آرای مستدل مؤثر است مضافاً اینکه در برخی موارد نظیر مجازات جزای نقدی نیز بعضاً افراد به لحاظ عجز از پرداخت آن بازداشت می‌شوند، به کلیه مجازات‌ها تسری می‌بخشید و از این طریق از تفکیک ناروا در مجازات‌ها جلوگیری می‌نمود.

۳. افزایش اختیارات محاکم در اعمال تخفیف مجازات حبس

قانونگذار در ماده ۶ از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در راستای اجرای سیاست حبس‌زدایی اقدام به اصلاح و بازنگری در کیفیت و نحوه اعمال تخفیف^۲ نموده است.

مفاد این ماده بر خلاف ماده ۳۷ سابق که مجازات حبس را صرفاً به میزان یک تا سه درجه قابل تقلیل می‌دانست و امکان تبدیل حبس به سایر مجازات‌ها وجود نداشت، هر چند در تخفیف حبس‌های درجه یک تا

۱. «تبصره- چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد.»

۲. «... ماده ۳۷- در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند: الف- تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات‌های درجه چهار و بالاتر؛ ب- تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛ پ- تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛ ت- تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛ ث- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر؛ تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.»

چهار تغییراتی ایجاد نموده و کماکان این حبس‌ها فقط به میزان یک تا سه درجه قابل تقلیل است، در مورد حبس‌های درجه پنج و شش علاوه بر امکان تقلیل به میزان یک تا دو درجه، امکان تبدیل مجازات به جزای نقدی متناسب با همان درجه را فراهم نموده است که علی‌رغم اینکه مجازات حبس قانونی و جزای نقدی پس از اعمال تخفیف از یک درجه هستند به لحاظ اینکه مجازات حبس مستنداً به تبصره ۳ از ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشد تر محسوب می‌گردد و تبدیل حبس به جزای نقدی مساعد تر به حال متهم می‌باشد، به نوعی تخفیف محسوب می‌شود که این اقدام مقنن به عنوان اقدامی مطلوب در راستای سیاست حبس‌زدایی درخور توجه می‌باشد. ذکر این نکته نیز ضرورت دارد که این اقدام مقنن (تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه) به دلیل عدم امکان تقلیل مجازات حبس درجه شش به میزان سه درجه و یا عدم قابلیت اجرای حبس درجه هشت بر اساس تبصره الحاقی به این ماده، قابل توجه و به نوعی اصلاح نارسایی‌های قانون گذشته محسوب شود.

همچنین قانونگذار در راستای جلوگیری از اعمال حبس‌های کوتاه مدت که نه تنها واجد خاصیت اصلاحی و تربیتی برای مرتکب نمی‌باشد (حاجی‌تبار فیروزجانی، ۱۳۸۷: ۷۶)، حتی در مواردی می‌تواند با ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد و مانع شدن در بازگشت عادی فرد به اجتماع، زمینه برای حرفه‌ای‌تر شدن فرد زندانی به دلیل اختلاط و مصاحبت با مرتکبین به جرایم گوناگون و بازآموزی جرایم مختلف را فراهم آورد، در اقدامی مطلوب در تبصره الحاقی مقرر داشته چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود. ذکر این موضوع نیز ضرورت دارد که اجرای مقررات این ماده با توجه به ذکر عبارت «سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد» شامل مواردی نظیر مواد ۴۴۲ (تقاضای تخفیف در فرض عدم اعتراض از سوی متهم و دادستان) و ۴۸۳ (تقاضای تخفیف در فرض اعلام رضایت شاکی در جرایم غیرقابل گذشت پس از صدور رأی قطعی) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز می‌شود.

نکته دیگر نیز اینکه بر خلاف مقررات مواد مربوط به تعدد و تکرار جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌توانست با ساز و کار خاصی مجازات مرتکب را تنها تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف دهد (منصورآبادی، ۱۳۹۹: ۳۸۲)، و از این جهت تا حد زیادی محدودیت در اعمال تخفیف وجود داشت و در عمل نیز مشکلات زیادی نظیر افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها را به همراه داشت، قانونگذار در بند (خ) از ماده ۱۳۴ و ماده ۱۳۹ اصلاحی قانون مجازات اسلامی با اتخاذ رویکردی سنجیده مقرر کرده در صورت وجود جهات تخفیف حسب مورد مطابق مقررات مواد ۳۷ اصلاحی به شرحی که گذشت اقدام می‌گردد که اختیارات محاکم در اعمال تخفیف مجازات در فرض تعدد و تکرار جرم توسعه یافته است و در صورت استفاده صحیح از این نهاد ضمن رعایت اصل تناسب جرم و مجازات می‌تواند در تحقق سیاست حبس‌زدایی مؤثر و مطلوب ارزیابی شود. به عنوان مثال چنانچه فردی مرتکب دو فقره جرم آدم‌ربایی قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌شد، دادگاه با رعایت مقررات تخفیف نمی‌توانست مجازات مرتکب را کمتر از نه سال حبس تعیین نماید، در حالی که مطابق قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دادگاه می‌تواند مجازات وی را در فرض عفو یا تهدید به حبس درجه هفت یعنی بیش از سه تا شش ماه تقلیل دهد که اختلاف مجازات‌های مذکور، حکایت از تأثیر به سزای قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در کاهش جمعیت زندان‌ها دارد.

۴. توسعه امکان تعلیق اجرای مجازات

تعلیق اجرای مجازات^۱ که از آورده‌های مکتب تحقیقی محسوب می‌شود (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷: ۷۴) عبارت است از اجرا نکردن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی، مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه در این مدت پیروی کند، محکومیت او بی‌اثر گردد. اندیشه تعلیق اجرای مجازات ابتکاری غربی است که در یک قرن اخیر رفته رفته به نظام‌های کیفری دیگر کشورهای جهان راه یافته است. (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۲۰) صرف‌نظر از کارایی نهاد تعلیق در راستای تکرار جرم یا عدم آن (بولک، ۱۳۷۳: ۶۳)، چنانچه از نهاد تعلیق اجرای مجازات در جهت عدم اجرای مجازات حبس بهره گرفته شود یکی از اقدامات راهگشا در جهت اجرای سیاست تقنینی حبس‌زدایی است؛ چرا که با تعلیق اجرای مجازات حبس، عملاً مجازات اجرا نشده و در صورت اجرای دستورات دادگاه و عدم ارتکاب جرایم موضوع ماده ۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکومیت بی‌اثر می‌شود. قانونگذار در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برخی از جرایم را از شمول اجرای مقررات تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات مستثنی نموده بود، به عبارت دیگر صدور حکم به تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات در مورد این جرایم مطلقاً امکان‌پذیر نبوده است. پر واضح است چنانچه محدودیت مندرج در این ماده در خصوص برخی از جرایم کاهش یابد می‌تواند گامی مؤثر در راستای سیاست تقنینی حبس‌زدایی محسوب شود. قانونگذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با الحاق یک تبصره ذیل این ماده جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در صورت همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان به گونه‌ای که موجب تسهیل کشف جرم و دسترسی مأمورین به آثار، ادله و وسایل ارتکاب جرم شود و اگر این همکاری نبود کشف جرم با مشکل همراه و یا اساساً غیرممکن می‌شد (منصورآبادی، ۱۳۹۹: ۴۱۳)، جرایم علیه عفت عمومی به جز جرایم موضوع مواد (۶۳۹) و (۶۴۰)، کلاهبرداری و ... و شروع به آنها را که در گذشته قابل تعلیق نبوده، قابل تعلیق محسوب نموده است. لذا با توجه به اینکه مجازات اصلی اکثر جرایم مذکور از نوع حبس است قطعاً توسعه امکان صدور حکم به تعلیق اجرای مجازات آن‌ها گامی مهم در راستای سیاست حبس‌زدایی است. البته هر چند در مورد جرایم علیه امنیت این انتقاد وجود دارد که قانونگذار از جرم‌انگاری امنیت‌مدار فاصله گرفته و یا در مورد کلاهبرداری حقوق افراد زیان‌دیده مورد توجه قرار نگرفته است ولیکن از این جهت که امکان اجرای تعلیق در جرایم علیه امنیت در فرضی است که مرتکب، همکاری مؤثر در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان داشته باشد و این موضوع متهم را تشویق به همکاری در حین تحقیقات مقدماتی می‌نماید و در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان مؤثر خواهد بود، خود اقدامی مؤثر در راستای تحقق سیاست کیفری امنیت‌مدار محسوب می‌شود و در مورد کلاهبرداری نیز به لحاظ اینکه یکی از شرایط صدور حکم به تعلیق اجرای مجازات به استناد مواد ۴۰ و ۴۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران است قطعاً با حقوق افراد زیان‌دیده در تضاد نمی‌باشد.

۵. توسعه مصادیق جرایم قابل گذشت

از آنجایی که مستنداً به ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جرایم قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا

موقوفی اجرای مجازات است، یکی دیگر از راهکارهای مقنن در راستای سیاست تقنینی حبس‌زدایی می‌تواند توسعه گستره مصادیق جرایم قابل گذشت باشد. در واقع در این روش ضمن بهره‌مندی از جامعیت مطلوب متون تقنینی، مقنن بر آن است تا بدون جرم‌زدایی از اعمال مضر به نظم عمومی جامعه، صرفاً شروع تعقیب و یا اجرای مجازات را منوط به تقاضای شاکی سازد. رویکردی که هرچند مورد توجه سیاست تقنینی ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز قرار گرفته بود لیکن در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری دامنه جرایم قابل گذشت توسعه یافته است.

با نگرش در ماده ۱۰۴ اصلاحی مشخص می‌شود جرایمی نظیر جعل اسناد غیر رسمی و استفاده از آن، اهانت به مقامات و مأمورین، مزاحمت تلفنی، تدلیس در نکاح، سوء استفاده از سفید مهر، خیانت در امانت، تصرف عدوانی مجدد پس از اجرای حکم خلع ید، برخی مصادیق بی احتیاطی در امر رانندگی منجر به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی، هتک حیثیت با تعبیر یا تحریف فیلم و صوت یا تصویر دیگری، برخی مصادیق سرقت‌های خرد و کلاهبرداری و جرایم ارتكابی افراد زیر ۱۸ سال با وجود برخی شرایط که تاکنون قابل گذشت تلقی نمی‌شده با اصلاحات اخیر قابل گذشت محسوب شده است. این اقدام مقنن به دلیل این که ارتكاب عمل مجرمانه در صورت عدم اعلام شکایت از سوی شاکی قابل تعقیب نخواهد بود و در صورت اعلام رضایت شاکی پس از شروع به تعقیب نیز حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا اجرای مجازات صادر می‌گردد، در اعمال مجرمانه که مجازات قانونی آن از نوع حبس است؛ در وهله نخست موجب کاهش پرونده‌های وارده به دستگاه قضایی و در نهایت موجب کاهش اجرای مجازات حبس و تحقق سیاست تقنینی حبس‌زدایی می‌شود. همچنین در تبصره الحاقی نیز حداقل و حداکثر مجازات‌های حبس تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرایم قابل گذشت به نصف تقلیل یافته است که در فرض اعلام جرم از سوی شاکی در کاهش تعیین مجازات حبس تأثیر به‌سزایی دارد.

۶. توسعه استفاده از جایگزین‌های حبس در موارد تعدد جرم

توسعه استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در موارد تعدد جرم به دلیل داشتن جنبه ترمیمی و جلوگیری از طرد مجرم از جامعه (غلامی، ۱۳۸۵: ۱۱۸) می‌تواند در زمره امتیازات و محاسن یک قانون‌گذاری سنجیده با رویکرد حبس‌زدایی محسوب شود. بدیهی است که با توسعه امکان تعیین مجازات جایگزین حبس در موارد تعدد جرم با کاهش محدودیت‌های اعمال آن و با رعایت اصل بازدارندگی و تناسب بین جرم و مجازات، مقاصد قانونگذار در راستای سیاست حبس‌زدایی محقق می‌شود. امتیازی که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۷۲ به صورت نسبی از آن بهره‌مند شده بود.^۱

بر اساس ماده ۷۲ سابق در تعدد جرم در صورتی که مجازات قانونی حداقل یکی از جرایم ارتكابی بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس می‌شده و این قید تا حد زیادی در اعمال مجازات جایگزین حبس در موارد تعدد جرم محدودیت ایجاد نموده بود. نظریه وجود این تقیصه قانونگذار در جهت تحقق سیاست تقنینی حبس‌زدایی، در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاحاتی ایجاد نموده است. مطابق ماده ۱۰ از قانون مذکور ماده ۷۲ سابق اصلاح و مقرر شده تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.

۱. «تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.»

در ماده اصلاحی با افزایش حداقل مجازات از ۶ ماه به یک سال حبس محدودیت استفاده از مجازات جایگزین حبس در موارد تعدد جرم کاهش و در نتیجه با توسعه امکان استفاده از مجازات جایگزین حبس در موارد تعدد جرم گام مهمی در زمینه سیاست تقنینی حبس‌زدایی برداشته شده است به بیان دیگر اختیارات قضات محاکم در استفاده از مجازات جایگزین حبس در موارد تعدد جرم افزایش چشمگیری داشته است.

۷. توسعه امکان اجرای نظام نیمه آزادی

توسعه و افزایش امکان استفاده از نظام نیمه آزادی به این مفهوم که محکوم بتواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد، می‌تواند اقدام مؤثری در زمینه حبس‌زدایی ارزیابی شود چرا که انجام این فعالیت‌ها محکوم را از حضور در زندان رهایی بخشیده و در عین حال به بازاجتماعی شدن وی کمک می‌نماید. به استناد ماده ۵۷ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ صدور حکم نظام نیمه آزادی صرفاً در خصوص حبس‌های درجه پنج تا هفت امکان‌پذیر بوده است. قانونگذار در ماده ۸ از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با الحاق یک تبصره به ماده ۵۷ مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار، در صورت گذراندن یک چهارم مدت حبس قابل اعمال دانسته است. همانطور که ملاحظه می‌شود قانونگذار با توسعه امکان اجرای نظام نیمه آزادی در حبس‌های درجه دو الی چهار در صورت تحمل یک چهارم مدت حبس، در جهت تحقق سیاست حبس‌زدایی گام برداشته و از این طریق مضرات محیط زندان برای فرد زندانی، خانواده وی و جامعه را کاهش داده است.

مشابه مقررات این ماده در توسعه استفاده از مقررات اجرای حبس در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی موضوع ماده ۹ از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری نیز با الحاق تبصره ۲ به ماده ۶۲ مشاهده می‌شود. که مقرر نموده مقررات این ماده در مورد حبس‌های تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک‌چهارم مجازات‌های حبس قابل اعمال است.

۸. نسخ صریح مجازات شروع به جرم در قوانین خاص

شروع در لغت به معنای «آغاز کردن به کاری»، «ابتدا» و «آغاز» است. جرم نیز به معنای «گناه»، «خطا» و «بزه» آمده است.

در اصطلاح حقوقی شروع به جرم اقدام به مقدمات قریب جرم را گویند معذک امری است نسبی و به حسب طبع اصناف جرایم فرق می‌کند خصوصاً اینکه مقدمات قریبه از مقدمات بعیده به خوبی قابل تمیز نیست. در مصداق مشتبه اصل براءت جاری است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۲۷۴)

منظور از شروع به جرم، شروع به اجرای عنصر مادی جرم یا عملیات اجرایی جرم می‌باشد. به عبارت دیگر شروع به جرم رفتاری است که مرتکب پس از طی مراحل قصد مجرمانه و تهیه مقدمات ارتکاب جرم، به منظور عملی کردن قصد مجرمانه خود اقدام به عملیات اجرایی بزه مورد نظر خویش می‌نماید، ولیکن به واسطه وجود موانع خارجی که اراده مرتکب در آن تأثیری ندارد جرم منظور محقق نشده و در اصل نمی‌توان آن را جرم تام نامید.

در خصوص تعیین مجازات مرتکبین شروع به جرم ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، اصل را بر این گذاشته بود که شروع به جرم، جرم تلقی نمی‌شود مگر اینکه در قوانین کیفری برای شروع به برخی عناوین مجرمانه به صورت خاص مجازات پیش بینی شده باشد. برخلاف قانون اخیرالذکر پس از تصویب قانون مجازات

اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار در ماده ۱۲۲ از این قانون به صورت کلی مجازات شروع به جرم را تعیین نموده و مقرر داشته «هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود: الف- در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار ...».

با عنایت به نحوه نگارش ماده ۱۲۲ می‌توان بیان داشت که در قانون جدید درباره شروع به جرم اصل بر جرم بودن آن است در حالیکه در قانون سابق اصل بر این بوده که شروع به جرم قابل تعقیب نیست مگر اینکه بطور خاص جرم‌انگاری شده باشد. با توجه به تغییر رویه مقنن، موضوع نسخ مجازات شروع به جرم یا عدم آن در قوانین خاص موجب بروز اختلاف نظرات و برداشت‌های قضایی متفاوت شده بود.^۱ با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها و برداشت‌های قضایی متفاوت که بعضاً منجر به صدور آرای متعارض و متناقض نیز شده بود مقنن در اقدامی مؤثر در جهت ایجاد رویه قضایی واحد در ماده ۱۵ از قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مقرر داشته «... مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم و معاونت در جرم مشخص تحت همین عناوین مجازات تعیین شده است ... نسخ می‌گردد». با نسخ صریح مجازات شروع به جرم در قوانین خاص، اختلاف نظرات قضایی به شرحی که گذشت موضوعاً منتفی شده است که یک اقدام مطلوب تقنینی محسوب می‌شود.

نارسایی‌ها

علی‌رغم وجود تحولات مثبت در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در زمینه حبس‌زدایی، برخی نارسایی‌ها نیز وجود دارد که نیازمند تحلیل و بررسی است و در ادامه به مهم‌ترین این موارد اشاره می‌شود.

۱. عدم توجه به کارکرد بازدارندگی مجازات در اجرای سیاست کیفری حبس‌زدایی

سیاست در لغت به معنای اداره کردن امور مملکت و مراقبت از امور داخلی و خارجی کشور است. (عمید، ۱۳۸۴: ۱۲۵۶) کیفر نیز به معنای سزا، جزا و مکافات آمده است. (عمید، ۱۳۸۴: ۱۶۶۹) در اصطلاح حقوقی از سیاست کیفری با عنوان اصول کلی مربوط به قوانین جزایی کشور یاد شده است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۳۷۱) سیاست جنایی از زمان ظهور انگاره‌های آن در لسان بانیان و نظریه‌پردازان، به نوعی تدوین خط مشی و اصول کلی راهبردی کنترل و پاسخ‌دهی سنجیده به جرم، در سایه بکارگیری ابزارهای ویژه و منطبق با شرایط خاص گفته شده است که همواره تحت تأثیر بنیادهای فکری و تئوری‌های برخاسته از آن‌ها، دستخوش تغییرات و تحولات بنیادین قرار گرفته است. از زمانی که فوئر باخ آلمانی در سال ۱۸۰۳ میلادی اصطلاح سیاست جنایی را در معنا و مفهوم مضیق سیاست کیفری، به مجموعه علوم جنایی وارد کرد (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳)، پهنه‌ی گسترده عدالت کیفری، چاره‌اندیشی برای معضل جرم را جز در پرتوی بکارگیری اقدامات سنجیده و هدفمند دارای توفیق نمی‌یافت. لذا اهداف متولیان و متصدیان تشکیلات سیاست جنایی و مسیر تحول آن بر اساس نوع پاسخ‌دهی به جرم و پس از آن بکارگیری ابزار

۱. برای نمونه بنگرید به آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۲)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان، ص ۲۶۱ و ۲۶۲، میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان، ص ۹۶ و ۱۰۰، اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، *حقوق جزای عمومی* (جلد سوم)، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان، ص ۳۳۴، مصدق، محمد (۱۳۹۲)، *شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*، چاپ اول، نشر جنگل-جاودانه، ص ۲۴۵.

متناسب با وضعیت پیش‌آمده تنظیم شد. بر این اساس مجموعه مکانیسم‌ها و روش‌هایی که هیأت اجتماع با استفاده از آنها واکنش علیه واقعیت مجرمانه را سازمان می‌بخشد را سیاست جنایی می‌نامند. (لازرژ، ۱۳۹۹: ۱۳) در واقع سیاست جنایی متضمن مطالعه اقدامات و تدابیر متنوعی است که دولت (اعم از قوای مقننه، مجریه و قضائیه) و جامعه مدنی مستقلاً یا با مشارکت هم برای سرکوبی بزه و انحراف، پیشگیری از آن و حمایت از بزه‌دیدگان مستقیم و غیر مستقیم پیش‌بینی می‌کنند و آنها را به عنوان پاسخ به وضعیت‌های پیش‌جنایی، انحرافات، جرایم و نیز ترسیم آثار زیان‌بار جرم در چهارچوب مراجع رسمی مثل دادگاه یا مشارکتی همانند شوراهای میانجی‌گری، حل اختلاف و ... با آئین‌های خاصی برای هر یک اعمال می‌نمایند. (لازرژ، ۱۳۸۱: ۱۴)

سیاست جنایی بر اساس مفهوم موسع آن در چهارچوب یک روش کلی و هدفمند از عوامل و زیرساخت‌های گوناگونی تأثیر می‌پذیرد. در این میان سیاست موصوف به شدت تحت تأثیر اندیشه‌ها، مکاتب و جریان‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر هر جامعه قرار دارد و این آموخته‌های کلی هستند که در قالب سیاست‌های تقنینی، قضایی و اجرایی به تبیین راهبردهای اصولی، به منظور مهار پدیده بزهکاری می‌پردازد. افزون بر آن یافته‌ها و دستاوردهای علوم جنایی نظیر جرم‌شناسی، کیفرشناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علم اداره زندان‌ها و ... به همراه اصول و ضوابط بین‌المللی و نظام حقوق بشری، نقش مهمی بر روند شکل‌گیری و مسیریابی سیاست جنایی دولت‌ها ایفا می‌نمایند. از این رو به اقتضای نوع حکومت‌ها و وضعیت خاص هر جامعه، طبقه‌بندی گوناگونی از سیاست جنایی با الهام از رهیافت‌های علمی یا آموزه‌های ایدئولوژی وجود دارد. بطور کلی وظیفه سیاست جنایی ایجاد هماهنگی در کلیه سیاست‌ها، برنامه‌ها، ابزار اجتماعی برای اجرای تدابیر و اقداماتی است که هدف مهار پدیده بزهکاری را دارند. (نجفی توانا، ۱۳۹۴: ۷۱) البته امروزه دیگر سیاست جنایی را صرفاً مجموعه اقدامات سرکوبگر و کیفری محض نمی‌دانند که دولت‌ها از طریق آن، در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد. (لوسور، ۱۳۷۲: ۳۹)

بازدارندگی از ارتکاب جرم، یکی از اهداف مهم هر نظام عدالت کیفری است؛ این هدف همچنین، از سوی طرفداران مکتب اصالت سودمندی، به عنوان توجیهی برای مجازات مطرح می‌گردد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۱۳۱) امروزه به دلیل بروز جنبه‌های جدید امنیت نظیر امنیت اجتماعی و احساس امنیت نوع نگرش به بازدارندگی متفاوت می‌باشد. در راهبردهای حبس‌زدایی هر چند استفاده حداقلی از مجازات حبس به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است؛ اما همیشه سعی می‌گردد در حبس‌زدایی از اعمال مجرمانه، تناسب عمل ارتكابی و مجازات تعیین شده مورد توجه قرار گیرد (بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۳۷۳) تا کارکرد اربابی، سزادهی، بازپروراندن (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۳۳) و بازدارندگی^۱ مجازات‌ها تحت الشعاع قرار نگیرد. به عبارت دیگر اگر لازم است رفتاری جرم باشد و هدف ما این است که با آن مقابله و از امنیت مالی، جانی و... شهروندان حمایت کیفری کنیم این حمایت باید متناسب با رفتاری باشد که فرد مرتکب آن شده است. عدم توجه به اصل تناسب بین عمل ارتكابی و مجازات آن ممکن است این احساس را به جامعه القا نماید که سلاح مجازات برای مبارزه با جرم تضعیف شده است و سبب افزایش ارتکاب جرم و به مخاطره افتادن امنیت شهروندان گردد. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که در راستای حبس‌زدایی تصویب شده با اشکالات اساسی و جدی مواجه است. این قانون اصل تناسب جرم و مجازات را به نفع اصل حبس‌زدایی نادیده انگاشته و به صورت غیر کارشناسی مجازات حبس را کاهش داده است و مشخص نیست بر اساس چه معیار و محاسبه‌ای چنین حکم کلی و موسعی در خصوص تعداد قابل توجهی از جرایم پیش‌بینی شده است. علاوه بر اینکه این قانون به دلیل شتاب‌زدگی در تصویب آن مورد انتقاد واقع شده است، تغییرات و

اصلاحات وسیع بدون وجود پژوهش‌های آماری در آن می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری را در نگرش افکار عمومی نسبت به فرآیند تقنینی به همراه داشته باشد؛ لذا علی‌رغم وجود تبعات منفی و گسترده مجازات حبس و لزوم حرکت به سوی سیاست‌های حبس‌زدایی مطابق با سیاست‌های کلان قضایی کشور، هرگونه بازنگری در قوانین موجود با هدف کاستن از جمعیت زندان‌ها مستلزم انجام مطالعات دقیق و مبتنی بر آمار و ضابطه است. به عنوان مثال کاهش مجازات حبس جرایم خشن مانند آدم‌ربایی و یا قابل گذشت تلقی نمودن برخی جرایم مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و ... و در عین حال کاهش حداقل و حداکثر مجازات حبس آن‌ها تا نصف، برخلاف فلسفه جرم‌انگاری آن‌ها که در جهت حمایت از تمامیت جسمانی یا اموال اشخاص به تصویب رسیده است با انگیزه کاهش جمعیت کیفری زندان بدون توجه به علل گسترش ارتکاب آن‌ها در جامعه نمی‌تواند سیاستی سنجیده تلقی شود و در واقع بررسی علت بروز جرایم موصوف به صورت گسترده، مغفول مانده است مضافاً اینکه در این قانون به نهادهایی مانند مراقبت‌های خارج از زندان (حاجی‌تبار فیروزجائی، ۱۳۸۷: ۸۰) که به حمایت از زندانیان پس از خروج از زندان و بازاجتماعی شدن آنان کمک شایان توجهی می‌نماید اشاره‌ای نشده است.

۲. عدم ارائه معیار و ضابطه جهت تشخیص جرایم غیرمختلف

با بررسی سیاست قانونگذار ایران در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مشاهده می‌گردد که حقوق موضوعه در زمینه مفاهیم و عبارات موجود در مواد قانونی مربوط، صریح و شفاف نبوده و بعضاً ابهاماتی مشاهده می‌شود. یکی از مهم‌ترین ابهامات موجود، ابهام در مفهوم جرایم غیرمختلف است. از دیرباز ارائه ملاک و ضابطه به منظور تشخیص جرایم غیرمختلف از مباحث مورد اختلاف در بین قضات، وکلا و حقوقدانان بوده است. بسته به اینکه در تعدد جرم، قانونگذار به منظور تعیین مجازات جرایم غیرمختلف برای مرتکب، رویکرد تعیین «مجازات واحد» یا «مجازات متعدد» را مورد پذیرش قرار داده باشد، ارائه تعریف از جرایم غیرمختلف اهمیت به‌سزایی می‌یابد. بر اساس رویکرد تعیین مجازات واحد در فرض ارتکاب چند جرم مشابه توسط یک فرد تنها یک مجازات تعیین و اجرا می‌شود در حالی بر اساس رویکرد تعیین مجازات متعدد برای ارتکاب هر یک از جرایم مشابه یک مجازات به صورت جداگانه تعیین می‌شود و می‌تواند دو نتیجه را در پی داشته باشد که مجازات‌ها جمع و اجرا شود یا اینکه تنها مجازات اشد مورد اجرا قرار گیرد. وجود چنین نتایجی برای ارتکاب جرایم مشابه، ضرورت ارائه تعریف از این جرایم را به روشنی تبیین می‌نماید. توجه به سیاست تقنینی حبس‌زدایی، قانونگذاران را بر آن داشته تا از رویکرد تعیین مجازات متعدد صرف‌نظر و به پذیرش رویکرد مجازات واحد با اجرای مجازات اشد متمایل شوند. بر خلاف ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که از رویکرد تعدد مجازات‌ها در جرایم مشابه بهره می‌برد و ارائه تعریف از جرایم مشابه موضوعیت نمی‌یافت، در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ضمن اصلاح مقررات ماده ۱۳۴ در بحث تعدد جرم، رویکرد مجازات واحد مورد اقبال مقنن واقع گردیده است و لیکن تعریفی از جرایم مختلف یا غیرمشابه ارائه نشده است. عدم ارائه تعریف در مقام اعمال مجازات، منجر به وجود اختلاف نظرات قضایی و صدور آرای متناقض می‌گردد که می‌تواند برخلاف روح قانون حتی افزایش استفاده از مجازات حبس را در پی داشته باشد.

این تغییر رویه مقنن در تعدد جرم بدون ارائه تعریف از جرایم مشابه و نبود ملاک و ضابطه خاص جهت تشخیص این جرایم یکی از ضعف‌های تقنینی قانون کاهش حبس تعزیری محسوب شود.

۳. عدم توجه به جایگاه برخی مقامات در قابل گذشت تلقی نمودن جرایم علیه آنان

قانونگذار در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در جهت تحقق سیاست تقنینی حبس‌زدایی، اقدام به توسعه جرایم قابل گذشت نموده است که یکی از جرایم الحاق شده جرم اهانت به مقامات و مأمورین موضوع ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ می‌باشد. با بررسی مصادیق مأمورین مندرج در این ماده ملاحظه می‌گردد کلیه مقامات مملکتی شامل مقررات آن می‌گردند. همان‌طور که سابقاً نیز مورد اشاره قرار گرفت شروع به تعقیب در جرایم قابل گذشت منوط به اعلام شکایت از سوی شاکی می‌باشد و گذشت شاکی یا مدعی خصوصی حسب مورد موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات می‌شود. با عنایت به اینکه اهانت به رؤسای قوا و مقامات و مأمورین عالی رتبه مملکتی به سبب انجام وظیفه یا در ارتباط با آن، به صورت خاص مورد جرم‌انگاری واقع نگردیده است، در صورت اهانت به هر یک از مقامات مذکور با وجود شرایط مذکور، به لحاظ نداشتن جنبه عمومی، دادستان رأساً حق تعقیب ندارد لذا در عمل اهانت به مقامات مذکور بدون توجه به جایگاه و موقعیت آنان در صورت عدم اعلام شکایت فاقد ضمانت اجرا خواهد بود. این در حالی است که چنانچه قانونگذار در جهت حمایت شایسته از جایگاه برخی مقامات خاص مانند سران قوای سه‌گانه و ... اهانت نسبت به آنان را از سایر مأمورین تفکیک و غیرقابل گذشت تلقی و واجد جنبه عمومی می‌دانست سنجیده تر بنظر می‌رسید.

۴. وجود تعارضات مشهود در مواد قانونی اصلاحی با برخی مواد دیگر

با بررسی اصلاحات و الحاقات صورت گرفته در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ملاحظه می‌شود مواد اصلاحی با برخی مواد دیگر در تعارض مشهود می‌باشد بدون اینکه قانونگذار در خصوص نسخ مواد قانونی مغایر به صورت صریح اظهار نظری نموده یا اصلاحات لازم را در مورد آنان نیز اعمال نموده باشد. به عنوان مثال در تبصره^۱ الحاقی به ماده ۳۷ اصلاحی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با ماده ۷۳ از همان قانون^۲ تعارض وجود دارد.

مطابق مندرجات این تبصره الحاقی به ماده ۳۷ در صورتی که پس از اجرای مقررات تخفیف حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود الزاماً باید به مجازات جایگزین حبس مربوط تبدیل شود. این در حالی است که مطابق ماده ۷۳ از همان قانون آمده است در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید. با توجه به وجود تناقض در منطوق مواد مذکور و در مقام جمع آن و با در نظر داشتن اینکه تبصره الحاقی به ماده ۳۷ آخرین اراده قانونگذار می‌باشد بنظر می‌رسد آن بخش از مقررات ماده ۷۳ که ناظر بر ممنوعیت صدور حکم به مجازات جایگزین حبس در مواردی است که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از یک سال بوده و پس از تخفیف به حبس کمتر از ۹۱ روز تقلیل می‌یابد نسخ ضمنی گردیده است ولیکن در خصوص سایر مصادیق کماکان قابل اجرا خواهد بود و صدور مجازات جایگزین حبس در مورد آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

۱. «ماده ۳۷... تبصره- چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می‌یابد، حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می‌شود.»

۲. «ماده ۷۳- در جرایم عمدی که مجازات قانونی آن‌ها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی‌تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.»

۵. ناکارآمدی کاهش مجازات حبس تعزیری در مورد برخی عناوین مجرمانه

نظام‌های حقوق کیفری، راهکارهای متعدد را در اختیار دارند تا از طریق آن سیاست تقنینی حبس‌زدایی را اعمال نمایند. یکی از مهم‌ترین راهکارهای مرسوم، کاهش مجازات حبس تعزیری در مورد جرایم خاص می‌باشد. استفاده از این راهکار در خصوص جرایمی که مجازات حبس آنها شدیدتر است با رعایت تناسب جرم و مجازات راهکاری مناسب تلقی می‌شود ولیکن در مورد جرایمی که مجازات حبس آن‌ها خفیف‌تر است، راهکار مؤثری محسوب نمی‌گردد و در این مورد تبدیل مجازات حبس به سایر مجازات‌های تعزیری مناسب‌تر است.

با بررسی مواد قانونی که مجازات حبس آنها به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تقلیل یافته‌اند مشاهده می‌شود برخی موارد نظیر مواد ۶۳۲ (امتناع از دادن طفل سپرده شده - سه تا شش ماه حبس)، ۶۴۱ (مزاحمت تلفنی - یک تا شش ماه حبس)، ۶۷۹ (کشتن حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری - ۹۱ روز تا شش ماه حبس)، ۶۸۵ (قطع اصله نخل خرما - سه تا شش ماه حبس) و ۷۰۰ (هجو با نظم یا نثر - یک تا شش ماه حبس) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که حداقل و حداکثر مجازات حبس آنها تا نصف تقلیل یافته، با در نظر گرفتن قلت میزان حبس کاملاً بی‌معناست، در این موارد به لحاظ الزامی بودن استفاده از مجازات جایگزین حبس و یا الزامی بودن تبدیل به جزای نقدی در مقام تخفیف، عملاً فاقد فایده اجرایی بوده و تبدیل مجازات حبس قانونی به سایر مجازات‌ها نظیر جزای نقدی، بسیار کارآمدتر و منطقی‌تر بنظر می‌رسید، اقدامی که قانونگذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در مورد برخی از جرایم نظیر توهین و افترا از آن بهره برده است.

۶. وجود بی‌دقتی‌های تقنینی

یکی دیگر از نواقص قانون کاهش مجازات حبس تعزیری بی‌دقتی‌های متعدد تقنینی است. به عنوان مثال چند نمونه بیان می‌گردد.

(الف) در بند (پ) از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، نسخ تبصره ذیل ماده ۶۲۱ با موضوع شروع به جرم آدم‌ربایی مورد اشاره قرار گرفته در حالیکه برابر ماده ۱۵ از همان قانون مصادیق خاص قانونی که در آنها برای شروع به جرم مجازات تعیین شده بود به صورت صریح نسخ گردیده است و شامل کلیه شروع جرم‌ها در قوانین خاص از جمله آدم‌ربایی می‌گردد، لذا در صورت عدم تصریح نسخ مجازات آدم‌ربایی نیز این موضوع با در نظر گرفتن متن الحاقی به ماده ۷۲۸ کاملاً قابل برداشت بود و این اقدام قانونگذار فاقد فایده اجرایی است.

(ب) در بند (ث) از ماده ۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مجازات حبس ۶۸۴ با موضوع چرانندن محصول دیگری و ... از شش ماه تا سه سال به حبس درجه شش (شش ماه تا دو سال) تقلیل یافته است و از طرفی به لحاظ قابل گذشت بودن مستنداً به تبصره الحاقی به ماده ۱۰۴ اصلاحی حداقل و حداکثر آن نیز به نصف تقلیل یافته است. این اقدام مقنن از این جهت که در حداقل مجازات هیچ‌گونه تغییری ایجاد نکرده است مضافاً اینکه اعمال هر دو جنبه از تقلیل حبس نیز نتیجتاً مجازات حبس درجه شش را در پی دارد و کیفیت تخفیف مجازات حبس درجه شش نیز با هر میزان در قانون احصاء گردیده، فاقد فایده عملی است و اگر قانونگذار تنها به ذکر تبصره ذیل ماده ۱۰۴ در جهت تخفیف اکتفا می‌نمود مقصود مقنن حاصل می‌گردید.

(ج) تقلیل حداقل و حداکثر مجازات حبس جرایم قابل گذشت به موجب تبصره الحاقی به ماده ۱۰۴ اصلاحی در برخی موارد منجر به تعیین مجازات‌هایی شده که به صورت روز کامل نبوده و به ناچار باید بر اساس اصل قانونی بودم جرم و مجازات بر مبنای روز و ساعت تعیین گردد که می‌تواند یکی دیگر از مصادیق بی‌دقتی‌های تقنینی

محسوب گردد. به عنوان مثال مجازات جرم افشای اسرار حرفه‌ای موضوع ماده ۶۴۸ پس از تنصیف به مجازات ۴۵ روز و ۱۲ ساعت تا شش ماه حبس تقلیل یافته است. این بی‌دقتی در مواد ۶۶۱ و ۶۷۹ نیز مشاهده می‌گردد.

۷. عدم استفاده از ظرفیت توسعه نهادهای ارفاقی کاربردی

یکی دیگر از نارسایی‌های مشهود در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری عدم استفاده از توسعه ظرفیت نهادهای ارفاقی کاربردی است. همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در برخی موارد از راهکار توسعه نهادهای ارفاقی نظیر توسعه اعمال تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه آزادی و ... در جهت سیاست حبس‌زدایی به صورت محدود بهره برده است؛ اما با نگرش در مواد قانونی مشاهده می‌گردد از ظرفیت سایر نهادهای ارفاقی به صورت مؤثر استفاده نشده و برخی نهادهای ارفاقی پرکاربرد مغفول مانده است. استفاده از روش توسعه نهادهای ارفاقی که گامی مهم در جهت اصل فردی کردن مجازات‌ها نیز محسوب می‌گردد می‌توانست در مواردی نظیر توسعه صدور حکم به معافیت از کیفر، تعلیق تعقیب و قرار بایگانی کردن پرونده به جرایم درجات بالاتر مورد توجه مقنن قرار گیرد که مورد استفاده قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

مجازات حبس که به دلیل برخی ویژگی‌های خاص نظیر سریع‌الاجرا بودن، بازداشتن موقتی مجرم از تکرار جرم و مصون ماندن جامعه از آسیب‌های مجرمانه در طول دوران تحمل کیفر به عنوان اصلی‌ترین مجازات و از ابزارهای مهم دفاع اجتماعی و واکنش علیه مجرم به عنوان عقوبت بزه‌کاران مورد توجه قانونگذاران واقع گردید، با گذشت زمان و با در نظر گرفتن پیامدهای سوء و آسیب‌های اجتماعی بعضاً غیر قابل جبران آن برای مرتکب جرم، خانواده و جامعه، مورد انتقاد واقع و بر ضرورت بکارگیری حداقلی مجازات حبس به منظور کاهش تبعات منفی آن تأکید شده است. گسترش این دیدگاه منجر به تغییر رویکرد و نگرش قانونگذاران به پدیده مجرمانه و مجازات حبس گردیده است؛ لذا امروزه در فرایند جرم‌انگاری و تعیین مجازات ضمن توجه به اصلاح مجرم و بازاجتماعی شدن وی سعی شده تا حد ممکن آثار زیان بار آن تقلیل یافته و تا حد امکان از پاسخ‌دهی به اعمال ضد اجتماعی به‌وسیله اجرای مجازات حبس ممانعت به عمل آید و استفاده از این مجازات به مواردی محدود گردد که از دیگر مجازات‌ها نتوان در این زمینه بهره‌مند شد.

قانونگذار در ایران بدلیل افزایش جمعیت زندان‌ها همسو با دیدگاه‌های نوین در این زمینه و در جهت تحقق سیاست حبس‌زدایی اقدام به اصلاحات تقنینی مطلوبی نموده است. آخرین اقدام مقنن در این زمینه تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری می‌باشد. به دلیل اهمیت تصویب این قانون و تأثیرات آن در کاهش جمعیت کیفری در صورت اجرای صحیح آن، پس از بررسی و تحلیل سیاست تقنینی حبس‌زدایی در قانون موصوف مشخص گردیده این قانون با اتخاذ سیاست کیفری سنجیده توانسته است بسیاری از نارسایی‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (تعزیرات) را مرتفع کند و از مصادیق قانونگذاری‌های مفید و موفق پس از دوران انقلاب اسلامی محسوب شود.

از جمله جلوه‌های نوآوری‌های موجود در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در راستای سیاست حبس‌زدایی می‌توان به تقلیل یا تبدیل مجازات حبس برخی عناوین مجرمانه خاص، افزایش اختیارات محاکم در اعمال تخفیف مجازات، تبدیل حبس‌های ابد غیر حدی به حبس درجه یک، توسعه امکان تعلیق اجرای مجازات، توسعه

جرائم قابل گذشت و توسعه جایگزین‌های حبس در موارد تعدد جرم اشاره کرد. در عین حال بررسی کامل قانون یاد شده در زمینه حبس‌زدایی نشانگر وجود برخی ایرادات و نارسایی‌های تقنینی به مانند عدم ارائه معیار و ضابطه جهت تشخیص جرایم مشابه، بی‌دقتی‌های تقنینی، وجود تعارضات مشهود در مواد قانونی اصلاحی با برخی مواد دیگر، عدم بهره‌مندی از ظرفیت توسعه نهادهای ارفاقی کاربردی و نیز عدم توجه به کارکرد بازدارندگی مجازات است که لازم است مورد توجه قانونگذار قرار گیرد.

پیشنهادات

با توجه به موارد صدرالذکر پیشنهاداتی طی شرح آتی ارائه می‌گردد. پیشنهاد نخست به قانونگذار آن است که با بهره‌مندی از توسعه ظرفیت نهادهای ارفاقی کاربردی نظیر معافیت از کیفر، ضمن حرکت در جهت اصل فردی کردن مجازات، زمینه تحقق مطلوب سیاست حبس‌زدایی را فراهم کند. در همین راستا افزایش اختیارات محاکم در تعیین مجازات‌های جایگزین حبس الزامی و اختیاری، تعلیق تعقیب و قرار بایگانی کردن پرونده به جرایم درجات بالاتر می‌تواند به جامعیت مقررات یاد شده کمک شایانی نماید.

پیشنهاد دیگر نگارنده آن است که در کنار توجه به استفاده حداقلی از مجازات حبس به عنوان یک اصل کلی، تناسب عمل ارتكابی با مجازات تعیین شده نیز مورد توجه قرار گیرد تا کارکرد ارعایی و بازدارندگی مجازات‌ها تحت‌الشعاع قرار نگیرد. استفاده افراطی از حبس‌زدایی در جرایم خشن مانند آدم‌ربایی و یا قابل گذشت تلقی نمودن برخی جرایم علیه اموال مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت که بر خلاف فلسفه جرم‌نگاری آنها که در جهت حمایت از تمامیت جسمانی یا اموال اشخاص به تصویب رسیده است، با انگیزه کاهش جمعیت زندان بدون توجه به علل و عوامل گسترش ارتكاب آن‌ها در جامعه نمی‌تواند سیاستی سنجیده تلقی شود و امید بسیار به رفع این نواقص در اصلاحات آتی وجود دارد.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۲)، **جرایم علیه اشخاص**، چاپ هشتم، تهران، نشر میزان.
۳. آنسل، مارک (۱۳۷۵)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، **حقوق جزای عمومی (جلد سوم)**، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
۵. اشرف گنجوی، علی اکبر (۱۳۸۴)، **نحوه اجرای احکام نظامی**، چاپ اول، نشر میثاق.
۶. بولک، برنارد (۱۳۷۳)، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، اشارات مجد.
۷. بهره مند، حمید (۱۳۹۶ بهار)، **سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی ایران**، فصل نامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۲ ص ۳۸۲-۳۵۷.
۸. پور محی آبادی، حسین، بوستانی، داریوش، قماش، سعید (۱۳۹۷ بهار و تابستان)، **سیطره حبس‌گرایی و رویای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضایی شهر کرمان)**، پژوهش نامه حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۲۷ ص ۵۹-۳۳.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۴)، **ترمیمولوژی حقوق**، چاپ پانزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.

۱۰. حاجی ده آبادی، احمد، (۱۳۹۰ تابستان)، تأملی پیرامون مجازات حبس در نظام حقوقی اسلام، سال سوم، شماره ۴ ص ۶۸-۳۷.
۱۱. حاجی تبار فروزجائی، حسن، (۱۳۸۷ پاییز)، جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)، شماره ۶۴ ص ۸۸-۶۷.
۱۲. حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۳. خاکسار، داود، غلامی، حسین (۱۳۹۷)، سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات جایگزین حبس، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، نیم سال اول ۱۳۹۷، شماره ۱۱ ص ۱۵۹-۱۳۱.
۱۴. دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۳)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه: دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: میزان.
۱۵. صفاری، علی (۱۳۸۸)، کیفرشناسی (تحولات، مبانی و اجرای کیفر)، چاپ هشتم، تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، چاپ بیست و هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۷. غلامی، حسین (۱۳۸۵)، عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، چاپ اول، انتشارات میزان.
۱۹. لازرژ، کریستین (۱۳۹۹)، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ هشتم، نشر میزان.
۲۰. لواسور، ژرژ (۱۳۷۲)، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۲.
۲۱. مجیدی، سید محمود (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی جرایم علیه امنیت، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۲۲. محسنی، رضاعلی، (۱۳۸۷ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷)، آسیب‌شناسی مجازات زندان، سال دوازدهم، شماره ۶۷ ص ۹-۳.
۲۳. مصدق، محمد (۱۳۹۹)، شرح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، چاپ دوم، نشر جنگل-جاودانه.
۲۴. مصدق، محمد (۱۳۹۲)، شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، چاپ اول، نشر جنگل-جاودانه.
۲۵. منصورآبادی، عباس (۱۳۹۹)، مختصر حقوق جزای عمومی، چاپ اول، نشر میزان.
۲۶. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹)، حقوق جزای عمومی ۱ (پدیده مجرمانه)، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
۲۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۴)، جرایم علیه اشخاص، چاپ بیستم، تهران، نشر میزان.
۲۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹ بهمن و اسفند)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، نشریه امنیت، سال چهارم، شماره‌های ۱۹ و ۲۰.
۲۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، هاشم بیکی، حمید (۱۳۹۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی با همکاری گنج دانش.
۳۰. نجفی توانا، علی (۱۳۹۴)، جرم‌شناسی، چاپ هجدهم، نشر آموزش و سنجش.